

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۵۲-۱۳۵

مفهوم تجدد و رویکرد نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی

دکتر مریم مشرف *

چکیده:

پروین اعتصامی از پیشروان شعر عصر تجدد در ایران است. او با مبانی خردگرایانه شعر خود نیازهای عصر روشنگری مشروطه را پاسخ داد و نوعی شعر نئوکلاسیک فارسی را بنا نهاد. واقع‌گرایی و تکیه بر خرد و اراده و مسؤولیت انسان در قبال سرنوشت خود، شالوده نگاه اجتماعی او را تشکیل می‌دهد. پرهیز از اوهام و تکیه بر کار و تلاش در شعر او درونمایه‌ای است که به خوبی با نیازهای عصر تجدد هماهنگ است. در زمینه زبان و سبک نیز پیروی از وضوح و تعادل، استفاده از زبان فاخر و واقع‌گرایی و معنی‌سنجی، به ویژه در قالب «مناظره» و «تمثیل» از شاخصه‌های نئوکلاسیک شعر اوست که مجموعاً موجب شده منتقدان عصرش او را در شمار نوگرایان به حساب آورند.

واژه‌های کلیدی:

پروین اعتصامی، نئوکلاسیک، تجدد، عقلانیت، مناظره.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی M.mosharraf@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۷

تاریخ وصول ۹۰/۶/۷

مقدمه:

پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۲۸۵) هم زمان با امضای فرمان مشروطیت پا به جهان گذاشت و اندکی پیش از سقوط رضاشاه از دنیا رفت. او از فرزندان درخشان نسل پاکی بود که مؤمنانه در راه رهایی ایران از بند جهل و تاریکی قدم نهادند. نسلی که خورشید خردگرایی را در افق کشورمان تابان می‌خواست؛ قانون‌مداری، آزادی‌خواهی و خردورزی را آرمان خود می‌دانست و ملت ایران را در والاترین جایگاه‌ها، آن گونه که شایستگی‌اش را دارند، آرزو می‌کرد. او نخستین زن شاعر ایران است که بزرگ‌ترین اندیشمندان عصرش از او به احترام یاد کرده‌اند و برجسته‌ترین ادبیات‌شناسان معاصر، از دهخدا و محمد قزوینی گرفته تا سعید نفیسی و لطفعلی صورتگر و معاصرانی چون شفیع کدکنی و زرین‌کوب، بر شعرش نقد و نظر نوشته و آن را ستوده‌اند.

پروین هیچگاه علیه صورت‌های پذیرفته‌شده ادبی عصیان نکرد؛ اما در چارچوب همان صورت‌ها موفق شد ظرفیت‌های بیان ادبی را بازتر کند. از این رو منتقدان عصرش، او را نوگرا خوانده‌اند؛ اگرچه ممکن است امروز، به دنبال تحولاتی که پس از مرگ پروین در پهنه ادب رخ داده، عده‌ای نوگرایی او را فوراً درک نکنند.

سبک و زبان پروین کاملاً مایه‌ور از ادبیات کلاسیک ایران است. تعابیر و عبارات‌های شعر او یکسره یادآور شعر شاعران معروف قرن‌های گذشته است. با این همه، همه نقادان زمانه، او را در شمار متجددان عصر خود به شمار آورده‌اند. اکنون پرسشی که مطرح است این است که آن‌ها در شعر پروین چه می‌دیدند و چرا او را در زمانه خود نوگرا دانسته‌اند؟

از جمله هشترودی، از قدیم‌ترین جنگ‌نویسان ادبیات معاصر، پیش از آغاز سلطنت رضاپهلوی در کتاب «منتخبات آثار» گفته است که قصد دارد از کسانی که به راه نوآوری و تجدد رفته‌اند آثاری بیاورد. او اعتصام الملک (پدر پروین، فوت ۱۳۱۶) و پروین را در این دسته ذکر کرده است. او تجدد فکری و معنوی پروین را ستایش کرده و آن را حاصل در هم شکستن محیط محدود افکار پیشینیان دانسته است (هشترودی، ۱۳۰۳: ۱۱ به بعد).

همچنین، محمد اسحاق، نویسنده هندی و استاد ادبیات فارسی، که بعضی از قدیم‌ترین گزارش‌ها درباره شعر قرن بیستم ایران از طریق او به ما رسیده است، در کتاب «چهار شاعره»، پروین را از لحاظ انتخاب موضوع و نحوه بیان شاعری کاملاً مدرن می‌شمرد و اعتقاد دارد که او در موضوعات مدرن با زبانی کاملاً ساده و مؤثر شعر می‌سراید و اثر تحصیلات غربی که داشته در شعرش نمایان است. ویژگی بارز شعر او روان بودن طبیعی و وقار کلام اوست و سبک تصویری خاص.^۱ در واقع پروین حد فاصل و حلقهٔ رابطی است که شعر معاصر ایران را به ادبیات دورهٔ بازگشت ارتباط می‌دهد و این نکته حائز کمال اهمیت است. اسلوب کهن شعر او نوعی طرز کلاسیک جدید یا نئوکلاسیک را به نمایش می‌گذارد.

ادبیات نئوکلاسیک، بخشی از جنبش نئوکلاسیسیسم است که آن را روشنگری Enlightenment نیز می‌نامند. جنبش فکری و فلسفی و هنری که از درون عصر رنسانس بیرون جوشید و اوج آن در قرن هجدهم بود. تکیه بر قوای عقلی و منطقی انسان برای غلبه بر طبیعت و نابسامانی‌های اجتماعی به نوعی در این جنبش محوریت داشت و بنابراین، این جنبش همراه بود با خوش‌بینی به عقلانیت انسان و نفی باورهای خرافی، عقاید وهمی اثبات‌ناپذیر و تفکرات عصر بربریت و برداشت‌های قرون وسطایی. از لحاظ قالب و صورت‌های ادبی، نئوکلاسیک‌ها به اسلوب استادان کهن و قالب‌های سنتی تمایل داشتند.

تمایل به تعادل و تقارن و هماهنگی از شاخصه‌های بارز این مکتب است. اگر بخواهیم فقط به چند چهرهٔ جهانی این مکتب اشاره کنیم، می‌توانیم بگوییم که در اوایل قرن هجدهم، جنبش نئوکلاسیک با نام‌های بزرگی چون درایدن و جان لاک (در انگلیس) و راسین و مولیر (در فرانسه) آغاز شد. در میانه رسید به الکساندر پوپ، شاعر و نویسنده صاحب نام و نویسنده رساله‌ای معروف با نام «مقالات نقد ادبی» (Essays on Criticism) در انگلستان و ولتر در فرانسه، در اواخر قرن هجدهم با نام ساموئل جانسون همراه شد و به تدریج پایان پذیرفت.

پروین و شعر نئوکلاسیک عصر مشروطه

هرچند تصویب فرمان مشروطیت مربوط به سرآغاز قرن بیستم است، اما روح حاکم بر اندیشمندان این دوران از بسیاری جهات متأثر از روح عصر روشنگری اروپاست.

سه انقلاب بزرگ، پایه‌های اجتماع غرب را تکان داد که هر یک بنیادهای زندگی اجتماعی را زیر و رو ساخت. نخست، انقلاب آمریکا علیه سلطه انگلستان بود که تا سال ۱۷۸۳ طول کشید و به استقلال آمریکا از این کشور منجر شد. دوم انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ و دیگر انقلاب صنعتی در قرن هجدهم که بنیادهای اقتصادی و اجتماعی غرب را زیر و رو کرد.

تحولات ادبی و جریان فکری نئوکلاسیسیسم نیز هم‌گام با این تحولات رخ داد و بخشی از آن به شمار می‌رفت. روح خردگرایی و جستجوی عقلانیت در مجموعه این حوادث جریان داشت. انسان عصر جدید می‌پنداشت که بر اثر اکتشافات جدید به مرحله‌ای رسیده که قادر است جامعه و طبیعت را تابع عقل و اراده خود سازد.

این افکار و حوادث مربوط به آن در ایجاد مشروطه‌خواهی در ایران اثر زیادی داشت. جنبش مشروطه‌خواهی در کنار سرچشمه‌های فکر اسلامی، از بسیاری جهات از منبع فکر اروپایی متأثر بود. از جمله، ادبیات این دوره متأثر از جنبش نئوکلاسیک قرن هجدهم بود که به دنبال ترجمه‌ها و آشنایی تدریجی با فرهنگ عصر روشنگری به ایران می‌رسید و فضای فکری کشورمان را، به ویژه در تبریز و تهران و دیگر مراکز فرهنگی، دگرگون می‌کرد.

در این سال‌ها و تحت چنین فضای فکری، پدر پروین اعتصامی، کار منشی‌گری دیوان قاجار را رها کرد تا با تأسیس چاپخانه‌ای در تبریز به تبلیغ افکار روشنگرانه بپردازد. بعدها هم که عضویت یکی از احزاب را پذیرفت^۲ و وکیل مجلس شد همین مشی فکری را ادامه داد. منزل او محفل تبادل افکار رجال و صاحب‌نظران عصر خود بود. محفلی که پروین از کودکی در آن حضور می‌یافت و از این آرمان تجددخواهی

نسل مشروطه اثرها می‌پذیرفت. عده‌ای پروین و پدرش را از اندیشمندان ایرانی متأثر از فکر رمانتیک دانسته‌اند. اگرچه اعتصام‌الملک به سبب ترجمه «بینویان» ویکتور هوگو و بعضی قطعات منشور به زبان فارسی، موجب آشنایی ایرانیان با فکر عصر رمانتیک شد ولی این امر و کشش او و پروین به افکار رمانتیک در حد بازنمایی حال محرومان و توجه به بهبود شرایط اجتماعی است. در باقی امور مانند توجه به تعلیم و تربیت نوین، حقوق بانوان، اصلاحات اجتماعی، تکیه بر عقل در پرورش اخلاقی جامعه، اهمیت نظم در کار و دیگر مطالب، او کاملاً در قالب روشنفکران عصر روشنگری ظاهر می‌شود، و هیچ یک از شاخصه‌های فکر رمانتیک، همچون برتر دانستن الهام و احساس، شورش علیه عقلانیت از رهگذر تخیل، جستجوی امور وهمی یا عرفان‌زدگی، تمایل به شور و جنون یا حالت عصیانی و لگام‌گسیختگی عاطفی در روح مجله بهار و صاحب آن اعتصام‌الملک (یوسف اعتصامی) دیده نمی‌شود؛ در دختر او نیز همچنین. ممکن است بر این نظر خرده بگیرند که تمایلات عرفانی در دیوان پروین ناقض این مدعا است.

در پاسخ باید گفت زبان و مضمون‌های عرفانی نزد پروین، همچون ابزاری است برای بیان قصد تعلیمی و اغراض اخلاقی مورد نظرش. او اصولاً شعر را از منظر پرورش قوای اخلاقی و تهذیب نفس می‌نگریست و عرفان نیز در دید او هدفی جز این نداشت که قوای عقلانی را بر طبیعت انسانی حاکم گرداند.

تکیه بر عقلانیت

هرچند ادبیات تعلیمی ایران به طور کلی در همه ادوار غلبه عقل بر هوای نفس را ترویج می‌کرد، ولی این دیدگاه در ادبیات عصر مشروطه همچون تدبیری ناگزیر در وجدان عمومی روشنفکران عصر حاضر بود. در دیوان پروین چهل و دو قصیده، دیده می‌شود که تقریباً در تمام آن‌ها، وی، مخاطب خود را به سوی پرورش قوای فکری فراخوانده است:

ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن تیرگی‌ها را از این اقلیم بیرون داشتن
عقل را بازارگان کردن به بازار وجود نفس را بردن بدین بازار و مغبون داشتن
(اعتصامی، ۱۳۴۱: ۴۷)

درباره قصاید پروین اظهارنظرهای متفاوتی شده است. نفیسی آن‌ها را نسبت به دیگر سروده‌های پروین نازل شمرده^۳ و قزوینی برعکس، این قصاید را اعجاب‌انگیز دانسته است.^۴

آنچه مسلم است او با حساسیتی شگرف زیر و بم‌های سیاسی و حوادث اجتماعی عصر خود را دنبال می‌کرد و نسبت به آن‌ها واکنشی کامل داشت. هرچند بیان غیرمستقیم و کنایه‌آمیز او، که از حقایق اجتماعی در قالب بیان تمثیلی سخن می‌گفت، باعث شده افرادی چون یان ریپکا تصور کنند که پروین از مسائل اجتماعی و سیاسی دور بوده و کمتر اثری از انقلابات عصر در دیوان او دیده می‌شود (ریپکا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۷۴).

یکی از تصاویر کنایی او که در چند قصیده و تعدادی از سروده‌های دیگر وی به شکل‌های گوناگون آمده مضمون «غارت باغ» است. در این تصویر غالباً پروین به طرح یک «غفلت» و «اشتباه» می‌پردازد (اعتصامی، ۱۳۴۱: ۹، ۱۱، ۱۴، ۲۱). باغبان غافل است، اهل باغ خفته‌اند و میوه‌های باغ غارت می‌شود. در این سروده‌ها او به نکوهش اجتماع فریب‌خورده می‌پردازد؛ اشتباهی را گوشزد می‌کند که از این گروه سرزده و آن پیروی از دیو است.

مزدور دیو و هیمه‌کش او شدیم از آن	کاین سفله تن گرسنه و در فکرت غذاست
تو دیو بین که پیشرو راه آدمی است	تو آدمی نگر که چه دستیش رهنماست
بیگانه دزد را به کمین می‌توان گرفت	نتوان رهید ز آفت دزدی که آشناست
بشناس فرق دوست ز دشمن به چشم عقل	مفتون مشو که در پس هر چهره چهره‌هاست
زنگارهاست در دل آلودگان دهر	هر پاک جامه را نتوان گفت پارساست

(همان: ۹)

این قبیل هشدارها، که در اغلب سروده‌های پندآمیز پروین آمده، در وهله اول یادآور کلام حکیمان درباره خطر استیلای نفس است، ولی هرگاه شرایط حاکم بر زمان را به

یاد آوریم، می‌توانیم در زیرساخت اشعار، ایران آشوب‌زده آن روز را بینیم که شکست انقلاب مشروطه را با روی کار آمدن سردار سپه به چشم می‌دید. بنابراین به کمک بیان دو پهلو، میان موضوع عام خطرهای دیو نفس و خطر خاص موقعیت اجتماعی پل زده شده است. سرزنش و نکوهشی که در این ابیات دیده می‌شود، در واقع روی به سوی مردمی دارد که با ترفندهای سیدضیاءالدین، فریب کابینه سیاه را خوردند و به دست خود رؤیای جمهوریت و به طریق اولی مشروطیت را بر باد دادند.

در چنین شرایطی که رضاخان سردار سپه پایه‌های اقتدار خود را محکم می‌کرد تا کمی بعد در سال ۱۳۰۴ رسماً به تخت بنشیند، مجلس منتخب مردم منحل شد و مجلسی فرمایشی ترتیب داده شد که در اختیار نمایندگان فاسد و خودفروخته بود. احزاب برخی متمایل به روس بودند و برخی به انگلیس و در مجموع چندان مورد اعتماد ملت نبودند. بی‌اعتمادی به رهبران سیاسی و وکیلان مجلس که خود را به ارتجاع فروخته بودند و یا جسارت ایستادگی در برابر آن را نداشتند، از اینجا در ضمیر پروین شکل گرفت. او در غائله جمهوری‌خواهی به روشنی شاهد بود که چگونه سیدضیاءالدین طباطبایی و رضاخان سردار سپه، به نام جمهوری‌خواهی ورق را به نفع خود برگرداندند؛ در حالی که بسیاری از مردم و حتی روشنفکران انقلابی، فریب آنان را باور کردند. مضمون «فریبکاری پیشروان قافله و گمراهی کاروانیان» و نیز «گم شدن گله» که به شکل‌های مختلف در سروده‌های پروین تکرار شده^۵ و تقریباً جزء جدایی‌ناپذیر قصاید اوست، حاصل این حوادث اجتماعی است و نکوهش و حسرتی که جای پای خود را در قصاید او محکم کرده است:

سوخت اوراق دل از اخگر پنداری چند	ماند خاکستری از دفتر و طوماری چند
روح زان کاسته گردید و تن افزونی خواست	که نکردیم حساب کم و بسیاری چند
زاغکی شامگهی دعوی طاووسی کرد	صبحدم فاش شد این راز ز رفتاری چند...
پایه بشکست و بدیدیم و نکردیم هراس	بام بنشست و نگفتیم به معماری چند
چون ره مخفی ارشاد نمی‌دانستیم	بنمودند به ما خانه خماری چند

دیو را گر نشناسیم ز دیدار نخست وای بر ما سپس صحبت و دیداری چند
 تیغ تدبیر فکندیم به هنگام نبرد سپر عقل شکستیم ز پیکاری چند
 روز روشن نسپردیم ره معنی را چه توان یافت در این ره به شب تاری چند^۶
 (همان: ۱۷)

کسانی که در اشعار پروین انعکاس مسائل اجتماعی را ندیده‌اند، متوجه ساختار معنایی زیرین در اشعار او نبوده‌اند و به همان عبارات ظاهری بسنده کرده‌اند. تقریباً در بیشتر قصاید پروین ما این نکوهش جمعی و حسرت او از گمگشتگی و از دست رفتن فرصت‌ها و سرمایه‌ها را شاهد هستیم که در زمانه‌ای که او می‌زیست کاملاً معنی و مفهومی سیاسی و اجتماعی دارد. از این رو سفارش همیشگی او تکیه بر عقل و تدبیر است:

رهنمای راه معنی جز چراغ عقل نیست کوش پروین تا به تاریکی نباشی رهسپار
 (همان: ۲۱)

نباید از یاد برد که تکیه بر عقلانیت، تنها دم زدن از عقل نیست، بلکه آنچه در اینجا منظور است، نگاه خاص روشنفکران عصر تجدد است که از انسان می‌خواستند با تکیه بر قوه تشخیص و تمیز، بر مشکلات طبیعی خود غلبه کند و با اراده، هستی خود را شکل دهد. روشنفکرانی که به اصالت انسان در صورت کمال والایش ایمان، و به خدای متعال، جدای از خرافه‌پرستی و اوهام، اعتقاد داشتند.

اگرچه پروین در شمار بسیاری از سروده‌های خود نسبت به عرفان شیفتگی نشان می‌دهد، اما از سستی و خمودی عارف‌نمایان توخالی، که ذهن را از مسیر کار و تلاش باز می‌دارند، بیزار است؛ چنان‌که تکیه بر اهمیت «سعی و عمل» یکی از مضمون‌های مورد علاقه اوست که به بهترین نحو در مثنوی «جولای خدا» نمود پیدا کرده است. در این شعر، «عنکبوت» مظهر کار و تلاش است. بیننده «کاهل» تلاش‌های او را بیهوده می‌شمرد و عنکبوت به او پاسخ می‌دهد که با الهام حق به بافندگی مأمور و مشغول است. این شعر از مناظره‌های معروف پروین است که نظر منتقدان را جلب کرده است.^۷ توجه به واقعیت‌های عینی در عوض عوالم و احوال درونی، از دیگر ویژگی‌های تجددگرایانه و نئوکلاسیک پروین است. واقع‌گرایی پروین اول بار در سرآغاز قرن

بیستم مورد توجه منتقدان قرار گرفت (هشترودی، ۱۳۰۳: ۳۵). هشترودی در آن هنگام او را اخلاق‌گرای (moralist) جهان‌دیده و «شاعره اجتماعی درجه اول» نامید که «افکار سالکان بزرگ سوسیالیست در آثار او تأثیر دارد و برعکس نیما، که از هواخواهان مکتب ایده‌آلیسم است، به مسلک حقیقت‌جویی منسلک است» (همان).

ایمان به اراده انسان

از بررسی سروده‌های تاریخ‌دار پروین دانسته می‌شود که او در اوج جوانی و در آن هنگام که هنوز حقیقت‌زندگی، روح لطیفش را نیاززده است، به اراده انسان اعتقاد عمیقی دارد و طبیعتاً این امر او را از گرایش‌های جبری و تقدیرگرایی دور می‌کند. هرچند در نهایت مشیت الهی بالاترین و قاطع‌ترین حکم است، اما توجه خاص او به «تصمیم» و «مسئولیت» انسان کاملاً وجه خردگرای تفکر او را، که بر مدار اراده بشر می‌گردد، آشکار می‌سازد:

دیوانگی ست قصه تقدیر و بخت نیست از بام سرنگون شدن و گفتن این قضاست

(اعتصامی، ۱۳۴۱: ۹)

به تو هرچ آن رسد ز تنگی و مسکینی همه از توست، نه از کجروی دوران

همه کردار تو از توست چنین تیره چه کنی شکوه ز ماه و گله از اختر

(همان: ۲۳)

هرچند او در موارد بسیار به پیروی از سنت ادبیات فارسی دم از قضا و قدر زده است (همان: ۱۱۵)، اما اصولاً روح اندرز بر اساس ترغیب اراده مخاطب نسبت به انجام کاری یا انجام ندادن آن استوار است و بدون پذیرش اراده و اختیار، اندرز یا تعلیم اساساً معنایی ندارد.

بدین لحاظ پروین را نیز همچون اندرزگر بزرگ شعر فارسی، ناصر خسرو، دست کم در بخش بزرگی از فعالیت ادبی‌اش باید از پیروان عقل و معتقدان به اختیار و اراده

شمرد و نه آن گونه که غالباً گفته شده، از معتقدان به جبر و تسلیم. او در سروده‌هایش تأکید دارد که نیروی جسمانی عطیه‌ای است الهی که آن را پاس باید داشت و بهترین راه زندگانی تکیه بر سعی و عمل است.^۸ اجزای عالم هستی هر یک برای هدفی به وجود آمده است (همان: ۱۱۶). ذرات عالم، هیچگاه از سعی و عمل تهی نیستند و نعمت‌های عالم حاصل این تلاش جمعی است. جمعی که عناصر آن هر یک به بهترین نحو در نظام جهان قرار گرفته است. بنابراین زهد از دید او کناره‌جویی از جهان کار و تلاش و دست کشیدن از سعی و مبارزه برای غلبه بر مشکلات نیست. نقد او متوجه حرص و زیاده‌خواهی است. تکیه بر کار و تلاش به منظور بی‌نیازی است. عادت به منفعت جستن از دسترنج خود، باعث بی‌نیازی از غیر می‌شود. روح نیازمند، خواهشگر و دله و دزد و طمع کار است؛ ریاکاری و چاپلوسی می‌آموزد؛ راحت‌طلب و دروغگو و حيله‌زن است و این همه به سبب نیازمندی به غیر است. بنابراین پروین در تکیه بر کار و تلاش اغراض تعلیمی مهمی را جستجو می‌کند که با روح سازندگی و نوخواهی عصر مشروطه و افکار پیشروان متمدنی آن دوران چون طالبوف و میرزا آقا کرمانی و خود اعتصام‌الملک و دیگران کاملاً هماهنگ است. به نظر می‌رسد سعی و عمل یکی از ریشه‌ای‌ترین افکار پروین اعتصامی بوده است. شعر «سعی و عمل» (همان: ۱۲۳) که در سال ۱۳۴۰ و در شانزده سالگی او به چاپ رسیده است، نشان می‌دهد که سعی و تلاش در کنار تکیه بر عقل و اراده و مسؤول بودن انسان در قبال خود و جامعه، از آغاز رکن مهمی در اندیشه‌های او محسوب می‌شده است. این اندیشه، بخشی از جهان‌بینی توحیدی پروین است، نه زائده‌ای بر آن. در مثنوی «خوان کرم» درویش فقیر از فقر و بی‌چیزی خود به درگاه حق شکایت می‌کند و خدا پاسخی را به او الهام می‌کند که چند بیتی از آن را می‌آوریم:

این توانایی که در بازوی توست	شاهد بخت است و در پهلوی توست
گنج‌ها بخشیدمت ای ناسپاس	که نگنجد هیچ کس را در قیاس
آنچه گفتمی نیست، یک در تو هست	گنج‌ها داری و هستی تنگدست

عقل و رای و عزم و همّت، گنج توست بهترین گنجور، سعی و رنج توست
عارفان چون دولت از ما خواستند دست و بازوی توانا خواستند
(همان: ۹۵)

این نگرش در عین حال ریشه در نیازهای اقتصادی آن عصر دارد. متفکران مشروطه، که از فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی ایران به فریاد آمده بودند، بیکاری و تبلی را یکی از عوامل فساد می‌دانستند. میرزا محمدعلی کاشانی، صاحب امتیاز و نگارنده «ثریا» می‌نویسد:

«ای ابنای وطن مقدس، خالق، ما را با هزارگونه استعداد فطری آفرید و در رحمت و واسعہ بر ما گشود... روا نیست که ما تبلی و کسالت را «توکل» نام گذاریم و فقر و مسکنت را قناعت بخوانیم و از جوهر کلام پیغمبر مکرم خودمان که «الکاسب حیب الله» محروم و بی‌نصیب مانیم. آوخ، از جزئی و کلی، محتاجات و مایلزم ما از خاک اجانب است... چیست که در ترقی سعی نمی‌کنیم و در پیشرفت امورات، همّت مبذول نمی‌داریم و... در تشکیل شرکت‌های بزرگ مجلس (شرکت) نمی‌کنیم و از منافع تجارت و فلاح و عمارت حرفی به میان نمی‌آوریم.^۹

تجار و صاحبان صنایع غالباً از حامیان مشروطه بودند. آنان نه تنها محیط سیاسی و اقتصادی جامعه بسته را مانع پیشرفت کار و تجارت می‌دیدند، بلکه از مداخله‌های قوای خارجی در امور راه‌ها و گمرک ایران و گرفتن مالیات‌ها و تعرفه‌های سنگین از تجار ایران به ستوه آمده بودند و خواهان پیشرفت صنعت و آزادی تجارت بودند. بنابراین تکیه بر کار و تلاش، پاسخی به نیاز عصر بود.

شاید هیچکس به اندازه محمدعلی فروغی (ذکاءالملک فوت ۱۳۲۵ ق.) این نیاز عصر به سعی و عمل را به دقت و روشنی شرح نکرده باشد. او در یک سلسله مقاله با نام «ثروت ایران» که در ده شماره پیاپی مجله تربیت به چاپ رساند، ضمن بیان سه اصل تولید ثروت، دلایل کاهش ثروت ایران را شرح داده است. اسباب ثروت از نظر او اوّل زمین است، دوم سعی انسان، سوم سرمایه، که آن هم با سعی انسان فراهم می‌شود. در مورد عامل انسانی، او از خوی تبلی و سستی در کار، که عادت ایرانیان شده، انتقاد

می‌کند، که به واسطه آن عده کمی تن به کار می‌دهند و اکثریت از دسترنج آن‌ها بهره می‌برند و از جمله، از زنان اعیان و شهری به سبب بیکاری و وقت‌گذرانی انتقاد کرده است. پیشنهاد او این است که با تقویت کشاورزی و صنعت و معادن و تجارت وضع اقتصاد را بهبود بخشیم و در کشاورزان و زمین‌داران کوچک انگیزه بالا به وجود آوریم تا مطمئن باشند حاصل کارشان را کسی چپاول نخواهد کرد و بیشتر تلاش کنند.^{۱۰} همان طور که ملاحظه می‌شود سعی و تلاش، یکی از شعارهای ترقی‌خواهان عصر مشروطه بود و نمونه آن در تمام نوشته‌های آن دوران فراوان است. پروین، فرزند این نسل بود و طبیعی است که عیب‌های جامعه خود را با حساسیت بررسی می‌کرد و مضمون‌های او سرگشتگی ملت ایران و حال و روز او را در آن زمان به خوبی بازگو می‌کند:

کارهای ما

نخوانده فرق سر از پای، عزم کو کردیم	نکرده پرسش چوگان هوای گو کردیم
به کار خویش نپرداختیم، نوبت کار	تمام عمر نشستیم و گفتگو کردیم
به وقت همت و سعی و عمل هوس راندیم	به روز کوشش و تدبیر، آرزو کردیم
عبث به چه نفتادیم، دیو آز و هوا	هر آنچه کرد بدیدیم و همچو او کردیم...
چراغ عقل نهفتیم شامگاه رحیل	از آن به ورطه تاریک جهل رو کردیم
به عمر گم‌شده، اصلاً نسوختیم، ولیک	چو سوزنی ز نخ افتاد جستجو کردیم

(همان: ۱۵۴)

زبان و هدف تعلیمی شعر

پیشروان تجدد، زبان را نیز چون ماده‌ای در راه هدف‌های خردورزانه قرار داده بودند. پروین که متأثر از اندیشه عصر روشنگری است همچون دیگر مشعل‌داران اندیشه عصر تجدد در اروپا خواهان زدودگی تعادل و وضوح در کلام است. پیشتر گفتیم که شعر نئوکلاسیک از عوالم رویاگونه پرهیز دارد، مگر آنچه بر اساس طرحی از پیش سنجیده شده و معقول ادا شود. از نظر آن‌ها اصول زیبایی، عام و جهانی

است و در هنر باید به قوانین عام و عناصر جهانی و جاودان تجربه بشری توجه شود نه شرح احوال فردی و آلام درونی.

بزرگان این مکتب شیفتگی خاصی نسبت به شعر و ادبیات کلاسیک (عصر باستان) نشان می‌دادند. تقارن، هماهنگی، شکوه و نظم از آرمان‌های هنرمندان این مکتب است. زبان آن‌ها بنابر اقتضای عقلانیتی که تابع آن است، باید روشن و صریح و دور از گزاره‌گویی و اغراق‌های باورنکردنی باشد. استعاره و تشبیه و سایر آرایش‌های زبان نیز در حد متعادل پسندیده است؛ طوری که حتماً از سخن معماگونه پرهیز شود. در عین حال، زبان تمثیلی و ایجاد مشابهت میان چیزهایی که ظاهراً شباهتی به هم ندارند مورد علاقه نئوکلاسیک‌ها بوده است.

در آهنگ و لحن کلام نیز، نئوکلاسیک‌ها میانه‌رو بودند و لحنی را می‌پسندیدند که ملایم و غیر پرخاشگر باشد. خشم و عصبانیت، مناسب عقلانیت نیست؛ هم چنین است دیگر عواطف دور از اعتدال. بنابراین، این تعادل باید در آهنگ و لحن کلام دیده شود. از سوی دیگر نئوکلاسیک‌ها اهمیت زیادی برای اوزان عروضی قائل بودند و برای هر نوع ادبی وزن مخصوص و مناسبی را تشویق می‌کردند. همان گونه که در کنار پیروی از عقل، ایجاد نظم را وظیفه هر فرد می‌شمردند، در شعر هم وجود نظم را ضروری می‌دانستند. کاربرد طنز و نکته‌گویی و حاضر جوابی نیز از دیگر ویژگی‌های این مکتب است.

با توجه به آنچه گفتیم بدیهی است که بسیاری از ویژگی‌های سبکی این مکتب را در شعر پروین می‌یابیم. پرهیز از عوام‌زدگی در عین توجه به اجتماع و دوری از احساس‌گرایی در عین شفقت و بشردوستی، هنگامی مانند یکی از شاخصه‌های زبان پروین خود را به ما می‌نمایاند که شعر و زبان او را با دیگر گویندگان عصر مقایسه کنیم.

مناظره و تمثیل

مناظره در اصطلاح ادبی به آن دسته از آثار منظوم اطلاق می‌شود که در برگیرنده

نکته‌ای اخلاقی یا طنزی تعلیمی باشد و دو طرف برای اثبات حرف خود دلیل و حجت بیاورند. با توجه به این‌که در مناظره گاه فکری را در قالب مثال بیان می‌کنند و برای آن شبیه یا مثالی می‌آورند، آن را از انواع تمثیل شمرده‌اند.

این نوع شعر به سبب جنبه گفتگویی، پذیرش زیادی برای قبول معانی مختلف دارد و بویژه در ادبیات تعلیمی ایران از دیرباز مورد توجه بوده و از قدیم‌ترین زمان‌ها از ابزارهای مؤثر در بیان نکات اخلاقی و پند و اندرز به شمار می‌رفته است.^{۱۱} مناظره‌های اسدی طوسی، عنصری، فرخی و سعدی در ادبیات قدیم ایران شهرت دارد. در دوره معاصر، ملک‌الشعراى بهار نیز مناظره‌هایی در دیوان خود آورده است؛ اما کسی که به فن مناظره تشخیص بخشیده و آن را احیا کرده، پروین اعتصامی است که بیش از شصت مناظره با موضوعات مختلف در دیوان خود دارد.

دسته دیگری از سروده‌های پروین، حکایت‌های تمثیلی است. تمثیل، حکایتی است که معنایی پنهان دارد و غالباً هدفی تعلیمی را دنبال می‌کند. تفاوت مناظره و تمثیل در این است که در مناظره صورت قصه چندان مطرح نیست و دو اندیشه در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند؛ بنابراین بر ساختار تضاد مبتنی است. اما در حکایت تمثیلی، که اصطلاحاً همان تمثیل نامیده می‌شود، صورت روایی قصه و حکایت اصل است و بنابراین مبتنی بر ساختار توالی است؛ یعنی ابتدا مقدمه‌ای مطرح می‌شود و بعد اتفاقی می‌افتد و در نهایت به نوعی فیصله می‌یابد.

در هر دوی این صورت‌های ادبی، لازم است که شاعر معنایی از پیش سنجیده شده را با توجه به هدف غالباً تعلیمی خود، در قالب کلمات بریزد. روایت زنجیره‌ای است که حلقه‌های آن یکی به دنبال دیگری ظاهر می‌شود و ساختار متوالی آن لزوماً بر پایه اندیشه حساب شده و معقولی است. کسانی که از پروین انتقاد کرده‌اند که «هرگز به درهم ریختن ذخیره‌های حافظه و از میان برداشتن دیوارهای زمانی و مکانی یادها توجهی ندارد» (براهنی، ۱۳۵۸: ۲۰۳)، به این موضوع توجه نداشته‌اند که به طور کلی روایت، عرصه جوشش ناخودآگاهی و بیخودی‌های روح در ساحت جنون و بی‌تابی

نیست. شعر روایی و به طریق اولی ادبیات تعلیمی از لون دیگری است. پیشتر گفتیم که در اساس، پروین از پیشگامان شعر نئوکلاسیک ایران است. این نوع شعر یا به عبارت بهتر این نوع اندیشه، اصولاً پیرو رام کردن تخیل بر مهمیز خرد است؛ بنابراین خاصیت ایستایی خودش را دارد و لذّتی که در آن جستجو می‌شود، با لذّت حاصل از نافرمانی‌های غرایز و احساسات متفاوت است و باید نیز چنین باشد؛ بنابراین نمی‌توان خرده گرفت که چرا شعر پروین «غریزی» نیست؛ زیرا اصولاً در این مکتب غریزه، تنها هنگامی ارزشمند است که حکم عقل را بر لوح وجود می‌نگارد.

ممکن است عده‌ای این روش را نپسندند. در قرن نوزدهم، کالریج و وردزورث، شعر را فوران آزادانه احساسات می‌دانستند و بیان عواطف فردی از دید آن‌ها مهم شمرده می‌شد. در قرن بیستم، پیروان نقد عینی این افکار را تعدیل کردند و با احیای دیدگاه‌های نئوکلاسیک، نوع دیگری از عقل‌گرایی و سخن‌سنجی را در ادبیات رواج دادند که با نظریه‌های قرن نوزدهم یکسره فاصله داشت.

بعدها الیوت اعلام کرد که شعر بیان عواطف فردی نیست، بلکه گریز از آن است، و بدین ترتیب در قرن بیستم دوباره طرح مسائل فردی و عواطف شخصی به دیده شک و ظن نگریسته شد. بنابراین هم بعد غیرشخصی شعر پروین و هم کنترل عواطف آن در چارچوب معنایی شعر، امری طبیعی و جزئی از سبک شعر اوست و نفسی شاعری و «ناظم» نامیدن او به این سبب، دور از انصاف است.

نتیجه‌گیری:

ادبیات عصر مشروطه متأثر از منابع اسلامی و در کنار آن افکار اروپایی بود. در ادبیات این دوره تأثیر جنبش نئوکلاسیک قرن هجدهم دوره روشنگری کاملاً مشهود است. تکیه بر عقلانیت، که از مضامین اصلی شعر پروین است، حاصل این تأثیرپذیری است که وی در قالب تصاویر کنایی و تمثیل‌ها و مناظره‌ها بر این امر تأکید می‌کند. پروین به اراده و اختیار انسان ایمان دارد، وجود پند و اندرز فراوان در شعرش از همین اعتقاد

سرچشمه می‌گیرد. پروین متأثر از فضای اجتماعی و سیاسی زمانه‌اش بر کار و تلاش تکیه می‌کند و از این امر اغراض تعلیمی مهمی را که با روح سازندگی و نوخواهی عصر مشروطه هماهنگ است دنبال می‌کند.

زبان شعر پروین نیز متأثر از اندیشه عصر روشنگری است؛ زبانی که ویژگی اصلی آن تعادل و وضوح در کلام است. او از مناظره و تمثیل هم به عنوان ابزاری موثر در بیان نکات اخلاقی و پند و اندرز استفاده می‌کند. در تمثیل‌های او معانی پنهانی و کنایه‌ی وجود دارد که غالباً اهداف تعلیمی را دنبال می‌کند.

پی‌نوشتها:

1-Eshaque: Four Eminent Poets: 42

۲- شرح حال یوسف اعتصامی به قلم دهخدا: مقدمه بر دوره دو جلدی بهار، چاپ ۱۳۲۱ (تاریخ مقدمه ۱۳۱۶)

۳- مقاله سعید نفیسی «پروین اعتصامی» در حسین نمینی: جاودانه. این مقاله در منابع مختلف درج شده از جمله یادنامه پروین، به کوشش علی دهباشی.

۴- قزوینی: تقریظ بر دیوان خانم پروین اعتصامی، در ابوالفتح اعتصامی: مجموعه مقالات به مناسبت اولین سالگرد فوت پروین، ص ۱۹.

۵- این شعر در سال ۱۳۰۰ شمسی در مجله بهار به چاپ رسیده است. پروین در آن هنگام پانزده ساله بوده است. در آن دوران سردار سپه به تدریج قدرت خود را تثبیت می‌کرد و عاقبت پنج سال بعد به تخت سلطنت نشست.

۶- از ذکر موارد مشابه خودداری می‌کنیم و خوانندگان را به دیوان ارجاع می‌دهیم.

۷- احمد کریمی حکاک بافندگی را استعاره از تلاش پروین در راه بافتن (سرودن) تار و پود شعر دانسته است. کریمی حکاک: طلیعه تجدد در شعر فارسی، ص ۳۰۹، قیاس شود به همان قلم:

(The Unconventional Parvin) in Once Dewdrop: p.126.

۸- همانجا، شعر رفوی وقت، شماره ۱۱۱ و سرود خارکن، شماره ۱۲۲، نیز جولای خدا، شماره ۹۰، تیمار خوار، شماره ۸۶، خوان کرم، شماره ۹۵.

۹- نشریه ثریا، شماره ۴، ص ۱۱، شنبه ۶ رجب ۱۳۱۶ قمری برابر با ۲۰ نوامبر ۱۸۹۸ م.

۱۰- نشریه تربیت، شماره ۳۵۹ به تاریخ ۲۸ صفر ۱۳۲۸ قمری تا شماره ۳۶۹ به تاریخ ۹ جمادی الاولی ۱۳۲۳ قمری. نیز دوره سه جلدی تربیت، ج ۳، ص ۴۳۴-۳۵۴، چاپ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران ۱۳۷۷.

۱۱- هرمان اته، در مقاله مبسوطی سیر تاریخی تحول مناظرات فارسی را بررسی کرده است:

H. Ethe, wber Persische Tenzonen, Abhandlungen des iv. Internationalen Orientalisten Congress (Berlin 1881) 2.48. 135.

منابع:

- ۱- اعتصام الملک، یوسف (۱۳۲۱). دوره دو جلدی **مجله بهار**، تهران: کتابخانه مجلس.
- ۲- اعتصامی، پروین (۱۳۴۱). **دیوان پروین اعتصامی**، تهران: سازمان مستقل چاپخانه دولتی ایران.
- ۳- براهنی (۱۳۵۸). **طلا در مس**، تهران: زمان.
- ۴- ریپکا، یان (۱۳۸۳). **تاریخ ادبیات ایران**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵- ژوزف، ادوارد (۱۹۹۳). **پروین اعتصامی و اندیشه‌های او**، لس آنجلس: کانون پژوهش و آموزش.
- ۶- صورتگر، لطفعلی (۱۳۱۴). «**تقریظ بر دیوان خانم پروین اعتصامی**»، **مجله مهر**، سال سوم، شماره ۷.
- ۷- کریمی حکاک، احمد (۱۳۸۴). **طلیعه تجلّد در شعر فارسی**، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مروارید.
- ۸- نمینی، حسین (۱۳۶۲). **جادوانه پروین اعتصامی**، تهران: فرزانه.
- ۹- هشترودی، محمد ضیاء (۱۳۰۳). **منتخبات آثار از نویسندگان و شعرای معاصرین**، تهران: مطبعه بروخیم.

10-Ethe, H: Uber Persische Tenzonen, Abhandlungen des internationalen Orientalisten congress, Berlin 1881.

11-Eshaque, Mohammad: Four Eminent Poetesses of Iran, Calcutta, 1950.

12-Moayyad, Heshmat (ed. and compiler): Once a Dewdrop, essays on the poetry of Parvin E'tesami, Bibliotheca Iranica, literature Series #1, Costa Mesa, Mazda Publishers, 1994.